

Islamic Knowledge and Insight

Uniform or Different Translations of Similar Quranic Verses and Their Role in the Evolution of Persian Translations

1. Zahra Hashemi: PhD Student, Department of Theology (Quranic and Hadith Sciences), Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran
2. Nadali Ashoori Telouki*: Associate Professor, Department of Theology (Quranic and Hadith Sciences), Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Email: Nadali_ashoori@yahoo.com)
3. Mohammad Ali Heydari: Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Abstract

Since the Holy Quran holds a special place for Muslims, related sciences such as translation gain particular importance. The translation of verses has undergone its own evolutionary course, and certainly, with the advancement of translation techniques, better translations of the Quran will be facilitated. The Quran consists of completely similar or repetitive verses, and the uniformity of their translation plays a role in providing a translation with the highest similarity to the original text. The question at hand is how the translation of similar verses should be and how their translation affects the evolution of translations. To what extent have ancient and contemporary translations paid attention to their translation? In this study, using a descriptive-analytical method, the translation of similar verses in three ancient and three contemporary translations was compared. In the three ancient translations, their translations are not uniform, and there is no specific basis for translating similar verses. In the three contemporary translations, the Basmala and the disjointed letters are identical, but the similar verses in one or more surahs, despite the translators' basis for uniformity, are sometimes uniform and in most cases non-uniform. This comparison clearly shows that the uniformity of translating similar verses has a greater impact on the evolution of the translation of the Divine Word, as it conveys the reliability of the original text and the emphases, nuances, and inherent beauties embedded in the verses to the audience.

Keywords: *Similar Verses, Translation History, Ancient and Contemporary, Abu al-Futuh al-Razi, Meybadi, Nasafi*

معرفت و بصیرت اسلامی

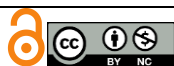
برگردان یکسان یا متفاوت آیات مشابه قرآن و نقش آن در تکامل تاریخ ترجمه‌های فارسی

۱. زهرا هاشمی: دانشجوی دکتری گروه الهیات (علوم قرآن و حدیث)، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
۲. نادعلی عاشوری تلوکی*: دانشیار گروه الهیات (علوم قرآن و حدیث)، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (پست الکترونیک: Nadali_ashoori@yahoo.com)
۳. محمدعلی حیدری: استادیار گروه فقه و حقوق واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

از آنجا که قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای برای مسلمانان دارد علوم مرتبط با آن مانند ترجمه اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. ترجمه آیات سیر تکامل خود را طی کرده و قطعاً با پیشرفت فن ترجمه، زمینه ترجمه‌های بهتری از قرآن فراهم خواهد شد. قرآن متشکل از آیات کاملاً مشابه یا تکراری است و یکسانی ترجمه آن‌ها، در ارائه ترجمه‌ای با بیشترین شباهت به متن اصلی، نقش دارد. پرسش پیش رو این است که برگردان آیات مشابه چگونه باید باشد و چگونگی ترجمه آن‌ها چه تاثیری در تکامل ترجمه‌ها دارد؟ ترجمه‌های کهن و معاصر تا چه اندازه به برگردان آن‌ها، توجه داشتند؟ در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی، ترجمه آیات مشابه در سه ترجمه کهن و سه ترجمه معاصر مورد تطبیق قرار گرفت. در سه ترجمه کهن برگردان آن‌ها غیر یکسان و مبنای خاصی برای برگردان آیات مشابه وجود ندارد. در سه ترجمه معاصر، بسمله و حروف مقطعه یکسان، ولی آیات مشابه در یک سوره یا چند سوره، علی‌رغم مبنای سه مترجم به یکسانی، گاهی یکسان و در بیشتر موارد غیر یکسان است. در این تطبیق واضح گردید، یکسانی ترجمه آیات مشابه تاثیر بیشتری در تکامل برگردان کلام الهی دارد چرا که امانت دار متن اصلی و تکیه، تأکید و زیبایی‌های نهفته در آیات را به مخاطب القا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: آیات مشابه، تاریخ ترجمه، کهن و معاصر، ابوالفتح رازی، میبدی و نسفی.



How to cite: Hashemi, Z., Ashoori Telouki, N., & Heydari, M. A. (2024). Uniform or Different Translations of Similar Quranic Verses and Their Role in the Evolution of Persian Translations. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(3), 46-59.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 09 August 2024

Revise Date: 18 September 2024

Accept Date: 30 September 2024

Publish Date: 13 October 2024

شیوه استناددهی: هاشمی، زهرا، عاشوری تلوکی، نادعلی، و حیدری، محمدعلی. (۱۴۰۳). برگردان یکسان یا متفاوت آیات مشابه قرآن و نقش آن در تکامل تاریخ ترجمه‌های فارسی. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۲(۳)، ۴۶-۵۹.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۹ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۸ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۹ مهر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۲ مهر ۱۴۰۳

مقدمه

از دیدگاه ترجمه‌شناسی و نقد ترجمه، نکته قابل توجه این است که آیا برگردان متن‌هایی که تکرار در آن‌ها موجود و نمود خاصی دارد و اهداف بلاغی ویژه‌ای را دنبال می‌کند نیازمند رویکرد خاصی است؟ تکرار از جمله ویژگی‌های متن قرآن کریم است. در دیگر کتب آسمانی چون تورات و انجیل آن گونه که امروز در عهد قدیم و عهد جدید می‌بینیم نیز گونه‌هایی از تکرار دیده می‌شود، اما این ویژگی در قرآن کریم چنان برجسته است که هر خواننده آشنای این متن را به خود متوجه می‌سازد (Karimi Nia, 2015).

صاحب نظران حوزه نقد ترجمه و گفتمان‌شناسی بر این باورند که انتقال ویژگی‌های بلاغی متن از جمله تکرار و گونه‌های دیگر پیوند واژگانی- مستلزم ظرافت‌ها و زیر و بم‌های ویژه‌ای است که برای نمونه، رویکردهایی مانند به کاربردن واژه‌های مترادف، به جای تکرار عین واژه؛ حذف واژه تکراری؛ یا تلفیق، ادغام و خلاصه‌سازی عبارت تکراری، نه تنها از انتقال مقاصد بلاغی پدید آورنده متن باز می‌ماند که تأثیرات معنایی آن را خدشه دار خواهد ساخت (Ghazanfari, 2015).

اصول کلی ترجمه بین‌زبانی، فارغ از توجه به متنی خاص، عبارت است از: آشنایی با زبان مبدأ و فهم درست متن مبدأ، آشنایی و تسلط کافی بر زبان مقصد، آشنایی با زبان‌شناسی مقابله‌ای، امانت‌داری در ترجمه. چهار اصل یاد شده در خصوص متن مقدس قرآن، از حساسیت بیشتری برخوردار است (Javaheri, 2015). اصل امانت‌داری در ترجمه، اصلی اخلاقی و پذیرفته شده و از مولفه‌های ارزش‌گذاری یک ترجمه است و برای دستیابی به آن می‌توان با رعایت راهکارهایی به موفقیت‌های نسبی دست یافت. از جمله راهکارها می‌توان به یکسانی ترجمه آیات مشابه اشاره کرد.

یکسان‌سازی ترجمه قرآن از دو زاویه قابل بررسی است: نخست از جهت شکلی و ظاهری که می‌توان آن را «یکنواخت‌سازی نشر ترجمه» نام نهاد... دوم از جهت مفهومی و محتوایی است که می‌توان آن را به یکسان‌سازی متن ترجمه تعبیر نمود. به این معنا که صرف

یکنواختی نشر ترجمه کافی نیست، بلکه مترجم موظف است در جهت «یکسان‌سازی محتوایی ترجمه» نیز اقدام نماید، که این یکسان‌سازی در دو بعد یا در دو سطح قابل تصور است: یکی در برگردان آیات مشابه است که می‌توان آن را «یکسان‌سازی خاص» نام نهاد که تنها در بخشی از ترجمه آیات باید اعمال شود. دیگری که می‌توان آن را «یکسان‌سازی عام» نام نهاد در کل قرآن و در سر تاسر ترجمه اعمال می‌گردد (Ashouri Tolouki, 2021).

باید مصادیق یکسان‌سازی به درستی انتخاب شود و تفاوت‌های کوچک نادیده گرفته نشود. بسیاری از مترجمان، در ترجمه برخی از عبارات به ظاهر مشابه به تفاوت‌های اندک موجود در آن توجه نکرده و با یکسان‌سازی بی‌جا، آن‌ها را کاملاً یکسان به زبان مقصد منتقل کرده‌اند. بدین ترتیب ظرافت معنایی بسیاری از آیات از بین رفته است (Shahrudi et al., 2021).

یک ترجمه خوب باید معادل کامل اصلش باشد به گونه‌ای که خواننده ترجمه، همان پیام و اثری را بگیرد که خواننده اصل می‌گیرد و امانت در ترجمه رعایت شده باشد؛ به گونه‌ای که با بازگردانیدن ترجمه به اصل، تقریباً همان اصل به دست آید (Neknam, 2015a, 2015b)؛ یعنی نزدیک‌ترین معادل در زبان مترجم، اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک (Bi Azar Shirazi, 2015)؛ بنابراین برگردان کلام الهی باید با رعایت اصول کامل ترجمه، امانت‌داری به متن اصلی قرآن و دارای بیشترین شباهت به اصل قرآن کریم باشد. در فن ترجمه رعایت جهات ادبی، یعنی صرف، نحو، لغت؛ و رعایت جهات بلاغی یعنی تکرار، تکیه و جزئیات مربوط به آن بسیار ضروری است.

روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی تنظیم خواهد شد و بحث ما در این پژوهش بررسی و مقایسه آیات کاملاً مشابه قرآن کریم یا به تعبیری «یکسان‌سازی خاص» است، نه مقایسه ترجمه مشابهات لفظی که تفاوت اندکی با یکدیگر دارند، و نه منظور از مشابه، آیات مشابه در مقابل محکم است.

ترجمه آیات کاملاً مشابه در یک سوره و آیات کاملاً مشابه در دو یا چند سوره، در سه ترجمه کهن: ابوالفتح رازی، میدی و نسفی و سه ترجمه معاصر: خرمشاهی، گرمارودی و کوشا بررسی و مقایسه و در نهایت نتیجه حاصل بیان خواهد شد.

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی تحلیلی است که در آن از روش‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و رایانه‌ای برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. پرسش اصلی این پژوهش این است که: برگردان یکسان یا غیر یکسان آیات مشابه تا چه اندازه می‌تواند در تکامل ترجمه‌های فارسی قرآن کریم و ارتقای ترجمه‌های معاصر موثر باشد؟

در راستای پاسخ به این پرسش لازم است این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

مبنای مترجمان متقدم در برگردان آیات مشابه چیست؟

مبنای مترجمان معاصر در برگردان آیات مشابه چیست و تا چه اندازه به این مبنا در ترجمه، توجه داشتند؟

سیر تکامل ترجمه‌های فارسی ۵- تاریخ ترجمه قرآن و

ترجمه قرآن در طول تاریخ خود فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. این موضوع در دوره معاصر به مباحث علوم قرآنی وارد شده است؛ و پس از جدا شدن مباحث مربوط به تاریخ قرآن و شکل‌گیری این عنوان، موضوع ترجمه قرآن نیز جایگاه نسبتاً ثابتی را در تاریخ قرآن به خود اختصاص داده است.

ترجمه آیات و سوره قرآن از همان صدر اسلام مورد توجه بوده است. از آغاز انتشار اسلام در سراسر جهان برای تبلیغ اسلام نیاز به ترجمه قرآن احساس می‌شد، در میان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم افراد غیر عرب پاره‌ای از مفاهیم قرآن را برای هم زبانان خود ترجمه و تبلیغ می‌کردند (Bi Azar Shirazi, 2015). در این زمینه قولی مهم وجود دارد که اهل فارس نامه‌ای به سلمان نوشتند که فاتحه را برای آن‌ها به فارسی بنویسد و او نوشت (Khorramshahi, 1997; Motahhari, 2016).

تاریخ نخستین ترجمه قرآن به زبان فارسی به درستی روشن نیست و پیش از ترجمه‌های کامل و رسمی قرآن که مربوط به قرن سوم یا چهارم هجری، ترجمه گونه‌هایی پراکنده و غیر رسمی از بخش بخش قرآن در میان ایرانیان رواج داشته است. نخستین سند تاریخی مکتوب در این رابطه نامه‌های پیامبر اکرم (ص) به زمامداران کشورهای دیگر از جمله ایران است که فرستادگان آیات قرآن را ترجمه کرده‌اند (Ma'refat, 2003).

در بررسی آثار کهن در ترجمه قرآنی، واژه‌های فارسی بسیار فراوان اند و ساختار عبارات کاملاً عربی است. اما هرچه در زمان پیش می‌آیم این وضعیت تغییر می‌کند یعنی واژه‌ها به تدریج عربی می‌شوند و ساختار بیشتر فارسی (Mousavi Bojnordi, 2008). ترجمه‌های قرآن دارای یک سیر تکاملی است. ابتدا لغات مشکل هر سوره در حاشیه قرآن‌ها به فارسی معنی می‌شد بعد به صورت ترجمه تحت الفظی درآمد و در زیر هر کلمه معنای آن نوشته می‌شد تا مبادا بر خلاف ترتیب و نظم قرآن درآید.

از آنجا که ترجمه تحت الفظی بسیار نامفهوم بود پاره‌ای از آیات در حاشیه تفسیر می‌شد و یا زمینه تاریخی و شأن نزول آن ذکر می‌گردید که به نام حواشی معروف شد.

در مرحله سوم بسیاری از مترجمین احساس کردند که در ترجمه تحت الفظی نه تنها زیبایی ظاهری قرآن از بین می‌رود، بلکه صورت فارسی خسته کننده و نامفهومی درآورده از اینرو به ترجمه‌های معنوی و آزاد پرداختند (Bi Azar Shirazi, 1989).

ترجمه‌های تحت اللفظ حتی برای خواننده فارسی زبان هم مفهوم نیست و در بسیاری جایها خواننده فقط با برابره‌های فارسی واژه‌های قرآن آشنا می‌گردد و نه با مفهوم واقعی و مراد خداوند... ترجمه‌های مزبور هر چند در سده پنجم هجری مورد انتقاد واقع شده، ولیکن در گسترانیدن مفاهیم قرآنی در میان فارسی زبانان مؤثر بوده است. از میانه قرن پنجم هجری تا سده یازدهم هجری بیشتر مترجمان و مفسران از روشی استفاده کرده‌اند که ترجمه الفاظ قرآن به برابره‌های مفهوم و روشن فارسی، و مطابق و موافق با اقوال مفسران بود.

۳- نجم‌الدین عمر بن محمد بن احمد نسفی (۵۳۷-۴۶۲ق، حنفی، ماتریدی) فقیه، اصولی، حافظ، محدث، مفسر، متکلم، ادیب و شاعر معروف به مفتی الثقلین نویسنده ترجمه تفسیری به نام تفسیر نسفی است. در این اثر نسفی که به فنون شعر و ادب چیره بوده، کوشیده است با به کارگیری سجع، ترجمه خود را مسجع و آهنگین سازد.

۱- بهاء‌الدین خرمشاهی (۱۳۲۴ش) در قزوین؛ شاعر، نویسنده، قرآن پژوه و مترجم قرآن است. اصل پنجم که در این ترجمه بیان شده است، این است که کلمه واحد [و جملات واحد] به شرط آن که در سراسر قرآن معنای واحدی داشته باشد، در ترجمه برای آن معادل واحد آمده و در سراسر ترجمه همان، حفظ و تکرار شده است (Khorramshahi, 1997, 2015b).

۲- سیدعلی موسوی گرمارودی (۱۳۲۰ش) در گرمارود؛ معروف به گرمارودی شاعر، نویسنده، محقق و مترجم قرآن کریم و نهج‌البلاغه است. همگون ساختن ترجمه لغات و ترکیبات قرآنی و آیاتی که شبیه یکدیگرند، از ویژگی‌های ترجمه او می‌باشد (Mousavi, 2005).

۳- محمدعلی کوشا (۱۳۳۱ش) در بیجار؛ قرآن‌پژوه، مفسر و مترجم قرآن کریم است. در این ترجمه، وفاداری به متن قرآن کریم، یک اصل است. مبنای این ترجمه در کلمات، جملات و آیات مکرر، یکسان سازی در معانی آنهاست، مگر آنکه سیاق اقتضای جز آن را داشته باشد (Kousha, 2020).

مبنای انتخاب این ترجمه‌ها

سه ترجمه کهن انتخاب شده، به خاطر این است که هر سه مترجم از مترجمان قرن چهارم تا ششم و معاصر یکدیگر هستند و هم این که هر سه، ترجمه کامل قرآن کریم است.

سه ترجمه معاصر انتخاب شده، به خاطر این است که هر سه مترجم معاصر، مبنای اصولی که در ترجمه به آن پایبند بودند را مشخص کردند که یکی از آن اصول، اذعان به یکسانی ترجمه و حفظ وحدت در سراسر ترجمه است. گرمارودی در موخره ترجمه اش می‌نویسد: با استفاده از کتاب «المعجم المفهرس لآیات قرآن الکریم»، ترجمه

اکثر لغات و ترکیبات و تعبیرات همگون قرآن را در سراسر این کتاب، در حدی که مقدور بود یکدست کردم... مگر در مورد کلماتی که در متن مقدس قرآن نیز، چند گونه به کار رفته‌اند. کوشا نیز در موخره ترجمه اش می‌نویسد: مبنای این ترجمه در کلمات، جملات و آیات مکرر، یکسان سازی در معانی آنهاست، مگر آنکه سیاق اقتضای جز آن را داشته باشد (Kousha, 2020).

در ترجمه خرمشاهی تحت عنوان «حفظ وحدت و برابر نهادها»، در چاپ دوم ترجمه، آیات مشابه بیشتری به گونه یکسان برگردان شد، اما نه به طور کامل، رضایی کرمانی درباره ترجمه خرمشاهی می‌نویسد: همانگونه که یاد آور شدیم و نمونه‌هایی آوردیم، یکسان سازی در حد مطلوب و بسیار بالایی در این ترجمه به چشم نمی‌خورد، هرچند اعتراف داریم که در این زمینه از بیشتر ترجمه‌های پیش از خود، پیشی گرفته و ممتاز است، ولی هنوز راه را در این زمینه بسیار گشوده است (Rezaei Kermani, 2015).

در حوزه ترجمه قرآن، یکسان سازی در ترجمه، مورد توجه بسیاری از قرآن پژوهان قرار گرفته است اما هنوز به طور کامل در ترجمه‌ها رعایت نمی‌شود. آیات، جملات و عبارات کاملاً مشابه زیادی در قرآن وجود دارد که باید یکسان ترجمه شود.

بررسی و مقایسه سه ترجمه معاصر و سه ترجمه کهن در برگردان آیات مشابه

در بررسی آیات مشابه قرآن کریم، اولین آیه‌ای که می‌توان ذکر کرد و تمام سوره‌ها به استثنای سوره توبه با این آیه شروع شده «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است، در سوره نمل نیز قسمتی از یکی از آیات محسوب می‌شود. این کلمه [=جمله] مقدس «آیه تسمیه»، و گفتن/خواندن و نام بردن و اشاره به آن را «بسمله» گویند (Khorramshahi, 2015a).

ابوالفتح: به نام خدای بخشنایده بخشایشگر (بیشتر آیات)، به نام خدای بخشنایده مهربان (هشت سوره)، به نام ایزد بخشنایده بخشایشگر (شش سوره)، به نام خدای مهربان بخشنایده (نمل، لقمان، سجده و احزاب و ۳۰ نمل)، به نام خدای بسیار بخشایش بسیار

آمرزش (طه)، به نام ایزد بخشاینده و بخشایش کرد(یس)، به نام خدای روزی دهنده رحمت کننده (انبیا)، به نام خدای مهربان بسیار آمرزش (قصص)، به نام خدای مهربان بسیار بخشنده (عنکبوت).

میبدی: بنام خداوند فراخ بخشایش مهربان (بیشتر سوره ها)، بنام خداوند جهان دار دشمن پرور ببخشاینده دوست بخشای بمهربانی (حمد)، بنام خداوند بخشاینده مهربان (آل عمران، اعراف، نحل و حج)، بنام خداوند بزرگ بخشایش مهربان (مومنون)، و نوشته اینست که بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳۰ نمل)، بنام خداوند جهاندار دشمن پرور ببخشاینده دوست بخشای به مهربانی (قلم، حاقه، معارج و نوح).

نسفی: آغاز کردم به نام خداوند روزی دهنده آمرزنده. (حمد)، به نام آفریننده بخشنده بخشاینده. (بقره)، به نام آفریدگار پروردگار آمرزگار. (آل عمران)، به نام دارنده جهان، داندنه نهان، گزارنده عصیان. (نساء)، به نام خدای نعمت افزای، رحمت نمای؛ (مائده)، به نام خدای بی مانند، رحمت پیوند. (انعام)، به نام پادشاه بی همتا، آمرزنده گناه. (اعراف)، به نام آفریدگار خالقان، روزی دهنده بندگان، آمرزنده عاصیان. (انفال)، به نام پادشا [ه] بی همتا، آمرزنده ی جفا (یونس)، منم آن خدای که مؤمنان را محلّ خوف و رجا گردانید، مهربانی که ایشان را محلّ ثنا و دعا گردانید، بخشاینده [ای] که ایشان را محلّ خدمت و وفا گردانید (مؤمنون).

خرمشاهی: به نام خداوند بخشنده مهربان

گرمارودی: نام خداوند بخشنده بخشاینده

کوشا: به نام خدای مهر گستر مهربان

ترجمه آن در سه ترجمه کهن متنوع است و سه ترجمه معاصر ترجمه یکسان دارند. برای ترجمه این آیه نظرات مختلفی وجود دارد. ممکن است بعضی تصور کنند که معنای اسم و رحمن و رحیم هر سه روشن است، چرا باید ترجمه بسمله آیه تسمیه دشوار باشد، ولی با پیش رفتن بحث، ملاحظه خواهند کرد که در تاریخ یکپارچه‌ای ترجمه فارسی، اجماعی درباره ترجمه آن وجود ندارد (Khorramshahi, 2015b) در «رحمن و رحیم» ماده اصلی مشترک رحم/رحمه است

و در «بخشنده بخشاینده» هم ماده اصلی «بخش» (ب،خ،ش) مشترک است و این امتیاز در ترجمه‌های دیگر نیست. حاصل آنکه «به نام خداوند بخشنده مهربان» مأنوس تر و رایج تر و «به نام خداوند بخشنده بخشاینده» دقیق تر است (Khorramshahi, 2015b).

در ترجمه‌های معاصر دیگر مانند ترجمه مکارم (به نام خداوند بخشنده بخشایشگر)، جعفری (به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر) صادقی تهرانی (به نام خدای رحمت گر بر آفریدگان، رحمت گر بر ویژگان)، رضایی (به نام خدای گسترده مهر مهرورز)، از یک ریشه ترجمه شده است.

بنابراین با توجه به نمونه‌های ارائه شده ترجمه‌ای شایسته تر است که دقیق تر و در عین حال شیوا و روان باشد. مترجمان معاصر برای ترجمه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نظرهای گوناگونی دارند اما به این وحدت نظریه رسیده اند که باید در کل ترجمه، یکسان ترجمه شود. در ترجمه‌های معاصر اکثراً «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» یکسان ترجمه شد، اگرچه ممکن است ترجمه دقیق یا غیر دقیق باشد.

حروف مقطعه: در قرآن آیاتی متشکل از حروف مقطعه وجود دارد و این آیات به گونه متفاوت یا شبیه به هم در ابتدای چند سوره قرآن تکرار شدند. عده‌ای بر این باورند که، باید حروف مقطعه در اوایل سور بدون ترجمه و توضیح به همان حالت ابهام ترجمه شود. در بیشتر ترجمه‌های معاصر حروف «الم» ابتدای چند سوره به همان حالت نوشته شد. در مورد حروف مقطعه قرآن بیش از ده دیدگاه وجود دارد، که برخی آن را حروف اسرارآمیز و برخی از تشابهات می‌دانند و برخی حروف ساده معمولی می‌دانند که در راستای هماورد طلبی قرآن در اعجاز آورده شده است. به هر حال این حروف چه اسرارآمیز باشد یا حروف معمولی به همان صورت حرفی در ترجمه منعکس می‌شود (Rezaei Kermani, 2015). مرحوم معرفت در یکی از موارد شرایط ترجمه می‌نویسد: باید حروف مقطعه در اوایل سور بدون ترجمه باشد (Ma'refat, 2003; Najjar, 2002).

بنابراین حروف مقطعه اگر قرار است بدون ترجمه، نوشته شود، باید یکسان عمل شود، و اگر هم نظر مترجم بر آنست تا در ذیل آیه بیانی داشته باشد، باید درباره همه حروف مقطعه و به خصوص حروف مقطعه مشابه به طور یکسان عمل کند.

با بررسی حروف مقطعه، از جمله: حم (ابتدای هفت سوره)، ال (چهار سوره)، الم (شش سوره)، طسم (دو سوره)، مشخص شد ترجمه حروف مقطعه در ترجمه‌های کهن هر کدام به گونه ایست و هماهنگی ندارد، گاهی ترجمه نشد، گاهی قسم یا صفات خدا ترجمه شد،

مثلاً «الم» ابتدای شش سوره از قرآن در ترجمه ابوالفتح: در سه آیه ترجمه ندارد و در سه آیه (سوگند بدین حروف معجم) (سوگند بر این حروف معجم) (سوگند به حروف معجم)

میبدی: در یک آیه ترجمه ندارد و بقیه (الم سر خداوندست در قرآن) (منم خداوند الله نام داناتر دانا بهر کس و هر چیز و هر هنگام) (منم خدای دانا) (سر خداوند است در قرآن) (این حروف تهجی فرو فرستادن این نامه)، نسفی: در چهار سوره (منم خدای دانا)، بقیه (گفت منم خدای دان) (الوہیت و لطف و ملک مر مرا) (الله فرستاد جبرئیل را به محمد مصطفی) (سوگند به الهیت و لطف و ملک خداوند تعالی)،

نسفی تنوع بیشتری در حروف مقطعه دارد، سپس ترجمه میبدی و ابوالفتح، اما مترجمان معاصر درباره حروف مقطعه نظر یکسان دارند که حروف مقطعه ترجمه ندارد. بنابراین به همان صورت که خوانده می‌شود، در ترجمه نوشته شده است.

حروف مقطعه در ترجمه خرمشاهی، گرمارودی و کوشا اینچنین است. «الم»: الف، لام ؛ «الر»: الف، لام، را ؛ «حم»: حا، میم؛ «کهیصص»: کاف، ها، یا، عین، صاد ؛ «عسق»: عین، سین، قاف؛

با توجه به نمونه‌های ارائه شده ترجمه‌ای شایسته‌تر است که یکسان باشد چون حروف مقطعه ابتدای چند سوره مشابه است و این یکسانی باید در ترجمه همان حروف مشابه منعکس و به طور کل برای همه آیات مقطعه یکسان عمل شود، اگر چه نظر قرآن پژوهان بر ترجمه

یا عدم ترجمه حروف مقطعه یکسان نیست اما مترجم باید در کل ترجمه خود وحدت نظر داشته باشد و این امر باعث نظم و انسجام ترجمه و وفاداری به کلام الهی می‌شود.

آیات مشابه بیش از دو بار تکرار در یک سوره

در این بخش ترجمه ۱۳ نمونه از آیات کاملاً مشابه به ترتیب بیشترین تکرار در یک سوره، ۱- «فَبَآیَ آلاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ» ۳۱ بار در سوره الرحمن، ۲- «وَلِیُّ یَوْمَئِذٍ لِّلْمُکَذِّبِینَ» ۱۰ بار در سوره مرسلات، ۳- «وَإِنَّ رَبَّکَ لَھُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ» مورد بررسی قرار گرفت.

ترجمه آیاتی که تکرار زیادی دارد، گاهی در چند آیه یکسان و در بقیه غیر یکسان است. از جمله:

۱- «فَبَآیَ آلاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ» در سوره الرحمن سی و یک بار تکرار شد:

در بررسی آیه مشابه در سوره الرحمن ترجمه خرمشاهی و ابوالفتح کاملاً یکسان ترجمه شد، در ترجمه ابوالفتح به غیر از یکی از آیات بقیه بدون علامت سوال است و این آیه چون استفهامی است بهتر است به حالت استفهامی ترجمه شود، البته ممکن است این مورد از سهل انگاری رو نویسان یا مصححان نیز باشد. واژه «تکذبان»، «دروغ داری» ترجمه شد، در ترجمه ابوالفتح جمع مخاطب به صورت مفرد ترجمه شده است. ترجمه گرمارودی، کوشا، به غیر از یک آیه در بقیه آیات یکسان ترجمه شد. ترجمه میبدی و نسفی چند گونه ترجمه شد و بقیه آیات بدون ترجمه است.

۲- «وَلِیُّ یَوْمَئِذٍ لِّلْمُکَذِّبِینَ» ده بار در سوره مرسلات تکرار شد:

ترجمه‌های خرمشاهی، گرمارودی و کوشا ترجمه یکسانی از آیه دارند. ترجمه ابوالفتح به غیر از دو آیه و ترجمه میبدی به غیر از سه آیه، بقیه یکسان ترجمه شد، ترجمه نسفی مانند آیات مشابه در سوره الرحمن، ابتدا چند گونه ترجمه شد و بقیه آیات بدون ترجمه است. ۳- «وَإِنَّ رَبَّکَ لَھُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ» در سوره شعرا هشت بار تکرار شد: در این آیه مشابه، ترجمه میبدی بیش از همه متفاوت ترجمه شد هشت آیه، هشت گونه ترجمه دارد، ترجمه کوشا به غیر از یک مورد بقیه یکسان ترجمه شد، ترجمه‌های نسفی، خرمشاهی و گرمارودی،

به غیر از دو آیه، شش آیه یکسان ترجمه شد. ترجمه ابوالفتح برخی آیات یکسان و در برخی با اندکی تفاوت، ترجمه شد. در ترجمه ابوالفتح و میبدی حرف «ان» در ترجمه ظاهر نیست، ترجمه نسفی به غیر از دو آیه که با «هر آینه» شروع شده در بقیه آیات ترجمه نشد. در سه ترجمه معاصر، در هر کدام دو گونه ترجمه شد. با توجه به این که واژه‌های قرآنی هر کدام بار معنایی خاصی دارند و حتی در کلام الهی از معانی حروف و یا تفاوت معانی حروف در جمله‌های مشابه، هم نمی‌توان چشم پوشی کرد، اگر ترجمه «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» این گونه ترجمه شود (خداوند آمرزنده‌ای بخشاینده است)، پس عبارت «وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» که بدون تاکید است چگونه

باید ترجمه شود؟ بنابراین باید به تاکیدات قرآن، اهمیت داد و آن‌ها را به گونه‌ای در ترجمه منعکس کرد. به نظر نگارنده در ترجمه برخی از آیات، بین وفاداری به آیات و خدشه دار شدن جملات فارسی، بهتر است وفاداری به آیات را انتخاب کنیم همچنین اگر قرار است تاکیدات هر کدام به گونه‌ای ترجمه شود، بهتر است در آیات مشابه یکسان ترجمه شود، مثل «ان» در آیه «وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» به خاطر طولانی شدن مقاله از آوردن بقیه مقایسه ترجمه آیات مشابه خودداری می‌شود اما نتیجه بررسی در جدول قابل مشاهده است.

جدول ۱: عملکرد مترجمان در ترجمه آیات مشابه در یک سوره با بیش از دو بار تکرار

نام مترجم	تعداد مثال‌ها	ترجمه کاملاً یکسان	برخی یکسان و برخی غیر	غیر یکسان
ابوالفتح رازی	۱۳	۱	۵	۷
میبدی	۱۳	۰	۵	۸
نسفی	۱۳	۰	۲	۱۱
خرمشاهی	۱۳	۵	۷	۱
گرمارودی	۱۳	۶	۵	۲
کوشا	۱۳	۳	۶	۴

همانطور که در جدول (که نتیجه بررسی همه آیات مشابه قرآن در یک سوره است) مشاهده شد، سه مترجم معاصر علی‌رغم اظهار به یکسانی آیات و عبارات مشابه در سراسر قرآن، ترجمه آیاتی که در یک سوره کاملاً مشابه هستند نیز، یکسان ترجمه نشده است. مترجمان متقدم هم که مبنایی بر یکسانی ترجمه آیات مشابه نداشتند، اما از بین آن‌ها ابوالفتح در برخی موارد آیات مشابه را یکسان ترجمه کرده است.

آیاتی که در یک سوره دوبار تکرار شدند

در این بخش ترجمه ۱۲ نمونه آیات مشابه که هر کدام ۲ بار در یک سوره تکرار شده مورد بررسی قرار گرفت، از جمله:

– «عَلَى الْأَرَائِكِ يُنْظَرُونَ» (مطففین: ۳۵ و ۲۳)

در ترجمه دو آیه مشابه فقط ترجمه ابوالفتح یکسان ترجمه شد، ترجمه میبدی با تفاوت اندک غیر یکسان شد. ترجمه‌های معاصر نیز غیر یکسان است، در حالی که مبنای سه مترجم معاصر حفظ وحدت کلمات در سراسر قرآن است اما واژه «الْأَرَائِكِ» در ترجمه گرمارودی دو گونه ترجمه شد. ترجمه خرمشاهی و کوشا نیز برای یک واژه مشابه واژه داخل قلاب غیر یکسان ترجمه شد. اسم‌ها و فعل‌های قرآن، در برخی موارد ممکن است که مشترک لفظی یا منقول باشند و از اصل یکسانی مستثنا شوند. اما در بسیاری موارد، نباید دو یا چند معادل برای ترجمه یک کلمه در قرآن انتخاب شود و یکسانی و هماهنگی ترجمه آن‌ها بسیار لازم و ضروری است. مثلاً واژه «وکیل» در آیات «... وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (انعام: ۱۰۲) «... وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (هود: ۱۲) «... قَالَ اللَّهُ

عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ» (یوسف: ۶۶) «... وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ» (قصص: ۲۸) «... وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (زمر: ۶۲)

در ترجمه ابوالفتح (تکفل کننده، وکیل، نگاهبان، تکفل کنند) میبیدی (توانا است و کارران، گواه است و همه چیز را خداوند، یار است و گواه، گواه است، و کارساز و کار از پیش برنده) نسفی (و نگه‌دار هر چیزی وی است و نگاه داشت از وی خواہیت، و خدای تعالی نگاه دارنده، خدای تعالی بدانچه می‌گوییم گواست، و به هر چه کنیت جزا دهنده شماست، و خدای تعالی بر آنچه می‌گوییم گواست، و وی نگاه‌دار هر چیزی است) ترجمه شد.

درسه ترجمه معاصر که وحدت نظر در یکسانی ترجمه دارند نیز غیریکسان ترجمه شد: خرمشاهی (نگهبان، کارساز، ناظر و) کارساز،

ضامن [و شاهد] (گرمارودی (نگهبان، مراقب، گواه، نگاهبان) کوشا (ناظر و نگهبان، نگاهبان، شاهد و نگهبان، گواه و نگهبان، ناظر و نگهبان).

به راستی اگر یکسانی ترجمه آیات، عبارات و واژه‌های آیات قرآن وفادارتر به متن اصلی و در تکامل ترجمه‌ها موثر است، همچنین از اصول ترجمه سه مترجم معاصر است، چرا گاهی رعایت شده و گاهی نه؟ چرا در بسیاری از موارد بی دقتی رخ داده است؟ از ذکر بقیه نمونه‌های ترجمه آیات مشابه خودداری می‌شود اما نتیجه بررسی در جدول قابل مشاهده است.

جدول ۲: عملکرد مترجمان در ترجمه آیات مشابه در یک سوره با دو بار تکرار

نام مترجم	تعداد مثال‌ها	ترجمه یکسان	ترجمه غیر یکسان
ابوالفتح رازی	۱۲	۱	۱۱
میبیدی	۱۲	۰	۱۲
نسفی	۱۲	۱	۱۱
خرمشاهی	۱۲	۸	۴
گرمارودی	۱۲	۵	۷
کوشا	۱۲	۶	۶

بیشترین یکسانی ترجمه ۱۲ نمونه آیات مشابه در یک سوره به ترتیب ترجمه خرمشاهی و گرمارودی، پس از آن ترجمه کوشا، ابوالفتح، میبیدی و نسفی است.

آیات مشابه یا تکراری در دو یا چند سوره

در این قسمت ۵۷ نمونه از آیات مشابه در سوره‌های مختلف، در شش ترجمه نام برده، مورد بررسی قرار گرفت. در ۴۵ نمونه حداقل در یکی از ترجمه‌ها یکسان ترجمه شد، اما ۱۲ نمونه از آیات مشابه در هیچ کدام از ترجمه‌ها یکسان ترجمه نشد. بیشترین تکرار یک آیه در ۶ سوره آیه «و يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ» (یونس: ۴۸، انبیاء: ۳۸، نمل: ۷۱، سبأ: ۲۹، یس: ۴۸ و ملک: ۲۵)، و در ۳ سوره «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (زمر: ۱، جاثیه و

احقاف: ۲) و ۵۵ نمونه آیات دیگر، تکرار در ۲ سوره است. بیشترین یکسانی ترجمه به ترتیب، ترجمه گرمارودی، خرمشاهی، کوشا، ابوالفتح، نسفی و میبیدی قرار می‌گیرد. از جمله:

«تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (زمر: ۱، جاثیه و احقاف: ۲)

در ترجمه گرمارودی سه آیه مشابه یکسان ترجمه شد. در ترجمه ابوالفتح و خرمشاهی سه آیه مشابه دو گونه ترجمه شد، ترجمه خرمشاهی ترجمه واژه‌ها یکسان است، ولی جمله بندی متفاوت است، ترجمه میبیدی، نسفی و کوشا غیر یکسان است، در ترجمه کوشا، جمله بندی یکسان ولی جابجایی واژه‌ها صورت گرفته است. همانطور که گفته شد در بسیاری موارد، نباید دو یا چند معادل برای ترجمه یک کلمه در قرآن انتخاب شود و یکسانی ترجمه آن‌ها بسیار

ضروری است. مثلاً «أرسلنا» و «أنزلنا» در ترجمه ابوالفتح (فرو فرستادیم، بفرستادیم، فرو فرستیم، فرستادیم) میبیدی (فرو فرستادیم، بفرستادیم، فرو فرستیم، فرستادیم) نسفی (ما وحی کردیم و فرستادیم، بفرستیم، فرستاد) چند گونه ترجمه شد در هر سه ترجمه، به گونه‌های مختلف و مشتقات فرستادن به کار رفته است و تفاوتی بین ترجمه «ارسلنا» با «انزلنا» نیست.

سه مترجم معاصر نیز اگرچه به یکسانی کلمات اشاره کردند اما در همه کلمات عملی نشده است. خرمشاهی «أرسلنا» (فرستادیم، فرستاده‌ایم، فرو فرستادیم) و «انزلنا» نیز (فرو فرستادیم، فرو فرستاده‌ایم، نازل کردیم، نازل کرده‌ایم، پدید آوردیم) کوشا «أرسلنا» (فرستادیم، فرو فرستادیم، فرستاده‌ایم، گسیل داشتیم) و «انزلنا» (فرو فرستادیم، فرو فرستاده‌ایم، پدید آوردیم، نازل کردیم) در ترجمه گرمارودی «أرسلنا» (فرستادیم) و «انزلنا» (فرو فرستادیم) یکسان ترجمه شد اما همه کلمات یکسان ترجمه نشد. مثلاً: «أَلْقَيْنَا» (مائده: ۶۴، حجر: ۱۹، ص: ۳۴ و ق: ۷) در ترجمه گرمارودی

(افکندیم، درافکندیم، گماردیم) خرمشاهی (انداخته‌ایم، درانداختیم، افکندیم، درانداخته‌ایم) کوشا (افکندیم، درافکندیم) و در سه ترجمه کهن هم که ترجمه یکسان نیست: ابوالفتح (انگیزیم، افگندیم، برفکندیم، برافگندیم) میبیدی (بیفکندیم، درافکندیم، افکندیم، اوکندیم) نسفی (افکندیم و نهادیم).

ترجمه اکثر واژه‌های مشابه چه در ترجمه‌های کهن، و چه در ترجمه‌های معاصر یکسان نیست. مشکل دیگر در ترجمه آن‌ها اینست که گاهی همان ترجمه برای فعل دیگری نیز به کار برده شده است. مانند: «أرسلنا» «أنزلنا» «أَلْقَيْنَا» در سه ترجمه کهن و نیز در برخی ترجمه‌های معاصر چند گونه ترجمه شد و در برخی موارد، تفاوتی بین ترجمه «ارسلنا» با «انزلنا» نیست و دو فعل یکسان ترجمه شده است، که این موارد از موضوع بحث ما خارج و مقاله‌ای دیگری طلبد.

از ذکر بقیه نمونه‌ها به خاطر اطاله کلام خودداری می‌شود، و نتایج بررسی یکسانی آیات مشابه در جدول آمده است.

جدول ۳: عملکرد مترجمان در یکسانی ترجمه آیات مشابه در دو یا چند سوره

نام مترجم	تعداد مثال‌ها	ترجمه یکسان	ترجمه غیر یکسان
ابوالفتح رازی	۵۷	۹	۴۸
میبیدی	۵۷	۱	۵۶
نسفی	۵۷	۵	۵۲
خرمشاهی	۵۷	۱۶	۴۱
گرمارودی	۵۷	۲۳	۳۴
کوشا	۵۷	۱۱	۴۶

نتیجه‌گیری

با مطالعه تاریخ ترجمه قرآن کریم مشاهده می‌شود ترجمه قرآن راه پرفراز و نشیبی را طی کرده است و در مسیر تکامل و پیشرفت است. ابتدا لغات مشکل هر سوره در حاشیه قرآن‌ها به فارسی معنی می‌شد بعد به صورت ترجمه تحت الفظی درآمد. در مرحله سوم بسیاری از مترجمین احساس کردند که در ترجمه تحت الفظی نه تنها زیبایی ظاهری قرآن از بین می‌رود، بلکه صورت فارسی خسته کننده و

در این بخش بیشترین یکسانی ترجمه، به ترتیب ترجمه گرمارودی، خرمشاهی، کوشا، ابوالفتح، نسفی و میبیدی می‌باشد اگر چه ترجمه‌های معاصر رشد چشمگیری داشتند و نسبت به ترجمه‌های کهن تغییراتی در جمله بندی و سبک ترجمه‌ها و یکسانی برخی از واژه‌ها ایجاد شده اما هنوز به ترجمه کاملاً هماهنگ نرسیده‌ایم.

نامفهومی درآورده از اینرو به ترجمه‌های معنوی و آزاد پرداختند. ترجمه فارسی به مدت ده قرن به یک شیوه شبیه به هم و تحت اللفظی دوام یافته است.

در دوران معاصر، با پیشرفت دانش و فن ترجمه، ترجمه قرآن نیز وارد مرحله‌ای نوین شده است. در این مرحله ترجمه معنای واقعی خود را پیدا کرده و ترجمه‌های قرآن هم از نظر لفظ و ظاهر و هم از جهت فرم و قالب نسبت به گذشته فاصله گرفته، پویاتر و شیواتر شده است. مترجمان قرآن معاصر تا حدودی دریافته‌اند که ترجمه قرآن کار سلیقه‌ای نیست بلکه علاوه بر رعایت اصول و مبانی ترجمه، حساسیت ترجمه در برگردان کلام الهی بی نهایت مضاعف می‌شود و مترجم باید امانت دار کلام وحی باشد و تا حد امکان ظرافت‌ها و زیبایی‌های قرآن کریم، از جمله تکرارها را در ترجمه منعکس کند.

بنابراین قرآن پژوهان برای ترجمه قرآن اصول و قواعدی بیان کردند و بسیاری از مترجمان قرآن نیز در ترجمه، خود را به اصول و روشهایی ملزم می‌کنند. خرمشاهی، گرمارودی و کوشا از مترجمان معاصری هستند که در ترجمه قرآن خود را بر پایه مبنا و اصولی نگاشته‌اند. یکی از آن اصول یکسانی و هماهنگی آیات، عبارات، جمله‌ها و واژه‌های یکسان در سراسر ترجمه است مگر در جاهایی که سیاق اقتضا کند و یا واژه‌هایی که در معانی مختلف به کار می‌رود.

در بررسی تطبیقی ترجمه آیات در سه ترجمه کهن ابوالفتح رازی، میبدی و نسفی و سه ترجمه معاصر خرمشاهی، گرمارودی و کوشا، ترجمه آیات مشابه از جمله: بسمله، حروف مقطعه، آیات مشابه موجود در یک سوره، آیات مشابه در سوره‌های مختلف، مورد بررسی قرار گرفت. مترجمان کهن اصول و مبانی خاصی برای ترجمه آیات ندارند، چه برسد به اصل یکسانی ترجمه آیات مشابه، آنچه برای مترجمان قدیم مهم بود، اینکه بتوانند برای واژه‌ها معادل یابی و به همان صورت نحو عربی جمله بندی کنند، عبارت ترجمه شده ترجمه تحت اللفظ است و پیام آیه برای همه مفهوم نیست.

در سه ترجمه معاصر، ترجمه بسمله و حروف مقطعه در سراسر ترجمه یکسان عمل شده است و از این جهت ترجمه‌های معاصر نظم و هماهنگی خاصی به خود گرفته‌اند. اما ترجمه دیگر آیات مشابه، علی رغم اظهار آن‌ها به یکسانی و هماهنگی آیات و عبارات مشابه و واژه‌های همگون، در همه موارد یکسان عمل نشده است. اما به همان نسبت که یکسان عمل شده نسبت به ترجمه‌های پیشین پیشرفت محسوسی داشته است.

در بررسی ترجمه آیات مشابه در به نظر می‌رسد که اگر مترجمان به تشابه کامل آیات توجه داشتند، ترجمه آن‌ها نیز یکسان می‌شد. اما چون ترجمه آیات سالیان زیادی طول می‌کشد، تشابه آیات در همه موارد برای مترجم روشن نیست، لذا ترجمه غیر یکسان از آیات مشابه دارند.

در قرآن جمله‌ها و ترکیبهای زیادی وجود دارد که در بسیاری از موارد به یکسانی ترجمه آن‌ها نیز دقت نشده است. مترجمان باید علاوه بر آیات مشابه در یک سوره و در سوره‌های مختلف قرآن، به جملات و ترکیبهای یکسان در سراسر قرآن، الگوهای بیانی و ساختارهای نحوی مشابه و به طور کل همه واژه‌های مشابه غیر از برخی کلمات که چند معنا دارند و با توجه به جمله ترجمه می‌شوند، توجه ویژه داشته باشند و آن‌ها را یکسان ترجمه کنند.

اگر مترجمان به تشابه کامل آیات، جملات و واژه‌های مشابه همچنین الگوهای بیانی و ساختارهای نحوی مشابه دقت کنند و ترجمه آن‌ها نیز یکسان شود، ترجمه‌هایی شایسته‌تر، وفادار به متن اصلی، منظم و منسجم از قرآن کریم ارائه می‌شود. همچنین توجه ویژه خواننده ترجمه را به زیبایی و تاکید آیات در تکرارها برمی‌انگیزد، همانطور که تکرار در شعرها و نثر فارسی علاوه بر زیبایی، تاکید و جلب توجه شنونده را در بر دارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The translation of sacred texts has always been a subject of great significance, particularly when it comes to the Quran. The Quran, a holy book in the Islamic tradition, is distinguished not only by its content but also by its linguistic features, among which repetition plays a prominent role. This repetition is not merely a stylistic choice but serves to emphasize key themes and messages, creating a profound rhetorical effect. From the perspective of translation theory and criticism, a pertinent issue arises: should the translation of texts with inherent repetition—texts that display clear patterns of redundancy and pursue specific rhetorical goals—require a particular approach? Repetition is one of the defining characteristics of the Quran, and while similar patterns of repetition are observable in other holy scriptures such as the Bible (both Old and New Testaments), the Quran's use of repetition is so pronounced that it immediately captures the attention of any familiar reader (Karimi Nia, 2015). The prominence of this feature raises critical questions regarding the preservation and translation of its rhetorical effects, as it may not always be easily translated into another language without loss or distortion.

The challenge of translating repeated Quranic verses is complex. Scholars in the field of translation theory and discourse analysis argue that the rhetorical features of a text—such as repetition—require specific techniques to maintain their full impact when translated. These techniques often involve decisions that go beyond simple word-for-word translation. For example, translators may use synonyms to replace repeated words, omit repeated words altogether, or combine and condense repetitive phrases. However, these strategies, although linguistically valid in certain contexts, may undermine the rhetorical intentions of the original text. Such omissions or alterations fail to convey the full semantic weight of the repeated elements, thereby diminishing the original meaning and intent (Ghazanfari, 2015). This is

particularly critical in the case of the Quran, where repetition is not just a linguistic feature but a means of reinforcing its central themes, such as monotheism, moral imperatives, and the significance of prophetic guidance.

The importance of uniformity in the translation of similar Quranic verses becomes particularly evident when one examines the historical development of Quranic translations into Persian. Persian translations of the Quran have evolved significantly over time, with earlier translations often relying on more literal renditions of the text, while contemporary translations may prioritize readability and comprehension for modern audiences. However, as this study highlights, the uniform translation of similar verses across different translations plays a key role in ensuring that the Quran's rhetorical power and message are preserved. When translating similar verses—those that appear multiple times throughout the Quran—using a uniform approach, the translator maintains a consistency that mirrors the repetitive structure of the original Arabic text. This consistency not only preserves the rhetorical intent but also allows the translated text to retain the same impact on readers as the original text does on Arabic speakers (Javaheri, 2015). Without such uniformity, the translated text risks becoming fragmented or disconnected from its original message, potentially distorting the very meaning it seeks to convey.

A detailed analysis of ancient and modern translations of the Quran reveals a clear distinction in how similar verses are handled. Ancient translations, which were often undertaken by early Islamic scholars, tend to exhibit a lack of uniformity in translating repeated verses. This lack of consistency can be attributed to the historical context in which these translations were produced, where the tools and techniques available for translation were limited. The translators often did not have access to a systematic approach to translation, and as such, they relied more heavily on their understanding of the Quranic message and

the linguistic nuances of the Arabic text. In these translations, the repeated verses were often translated differently in different contexts, without a clear standardization or pattern.

On the other hand, contemporary translations of the Quran, influenced by modern translation theories and practices, tend to exhibit more uniformity in their treatment of similar verses. Contemporary translators, particularly those working within the field of Quranic studies, have become more aware of the need to maintain consistency in their translations. In these translations, there is a greater emphasis on preserving the rhetorical structure of the original Arabic, including the repetition of key phrases and concepts. For example, in the case of similar verses that appear within a single surah (chapter) or across different surahs, contemporary translators strive to use identical or very similar wording to convey the repeated ideas, thus ensuring that the translation reflects the same emphasis and impact as the original text (Mousavi Garmarodi, 2005; Najjar, 2002). This approach is rooted in the understanding that repetition in the Quran is not merely a stylistic feature, but a deliberate rhetorical strategy that serves to reinforce the Quran's key messages.

In the study of similar Quranic verses across translations, a comparison between ancient and contemporary works reveals that while the former often lack consistency in their treatment of repetition, the latter strive to maintain uniformity. The use of the Bismillah (In the name of God) and the disjointed letters (such as Alif Lam Meem) across different translations is one area where uniformity is more clearly maintained. In the ancient translations, these elements were sometimes treated inconsistently, while modern translators have largely adhered to a standardized approach, ensuring that the translation of such elements aligns with the original Arabic text. Despite this, challenges remain in fully capturing the nuances of repetition, particularly when it involves verses that repeat in different contexts or across different surahs. Translators must balance the need for consistency with the demands of

conveying the full range of meanings and interpretations inherent in the Quranic text.

In conclusion, the translation of similar Quranic verses requires a careful and deliberate approach, especially when considering the unique rhetorical features of repetition within the Quran. The uniformity of translation plays a significant role in maintaining the integrity of the original message, and as such, translators must be cautious not to alter or omit repeated elements that are central to the Quran's rhetorical and thematic structure. Through an examination of both ancient and contemporary translations, this study underscores the importance of developing translation practices that not only maintain linguistic accuracy but also preserve the deeper rhetorical and semantic dimensions of the Quranic text. As translation techniques continue to evolve, it is crucial for translators to remain mindful of these issues, ensuring that the sacred message of the Quran remains as powerful and impactful in translation as it is in the original Arabic.

References

- Ashouri Tolouki, N. A. (2021). *Comparative Quran Translation*. Daneshgah Azad Eslami Najafabad.
- Azarnoush, A. T. (2015). *A Commentary on the History of Translation from Arabic to Persian* (Vol. 1). Moassese Farhangi Tarjoman Vahi.
- Bi Azar Shirazi, A. K. (1989). *Quran Translation* (Vol. 1). Dar al-Quran Karim.
- Bi Azar Shirazi, A. K. (2015). *History and Foundations of the Translation of the Holy Quran* (Vol. 1). Moassese Farhangi Tarjoman Vahi.
- Ghazanfari, M. (2015). *Sometimes on the Lexical Repetitions of the Quran from the Perspective of Morphosyntactic Linguistics and the Difficulty of Translating Such Elements* (Vol. 5). Moassese Farhangi Tarjoman Vahi.
- Ibn Manzur, M. B. M. (2035). *Lisan al-Arab*. Dar Saader.
- Javaheri, S. M. H. (2015). *Translation Lesson Notes* (Vol. 8). Moassese Farhangi Tarjoman Vahi.
- Karimi Nia, M. (2015). *Consistency and Coordination in Quran Translation* (Vol. 2). Moassese Farhangi Tarjoman Vahi.

- Khorramshahi, B. A. (1997). *Quran Research: Seventy Quranic Topics and Studies*. Entesharat Nahid.
- Khorramshahi, B. A. (2015a). *The Dream of an Error-Free Quran Translation* (Vol. 2). Moassese Farhangi Tarjoman Vahi.
- Khorramshahi, B. A. (2015b). *The Oldest Quran Translations Belonging to Non-Arabs* (Vol. 1). Moassese Farhangi Tarjoman Vahi.
- Kousha, M. A. (2020). *Comparative Translation with Explanatory Footnotes*. Nashrani.
- Ma'refat, M. H. (2003). *History of the Quran*. Sazman-e Motaleh va Tadvin Kotob-e Olum-e Ensani Daneshgah-ha.
- Motahhari, M. (2016). *Collection of Works* (Vol. 1-32). Sadra.
- Mousavi Bojnordi, K. (2008). Great Islamic Encyclopedia. In *Great Islamic Encyclopedia* (Vol. 15). Tehran: Markaz Daيره al-Ma'arif-e Bozorg-e Eslami.
- Mousavi Garmarodi, S. A. (2005). *Quran Translation (Garmarodi)*. Ghadiani.
- Najjar, A. (2002). *Principles and Foundations of Quran Translation*. Entesharat Ketab Mobin.
- Nekonam, J. (2015a). *Equivalence in the Holy Quran* (Vol. 5). Moassese Farhangi Tarjoman Vahi.
- Nekonam, J. (2015b). *Why and How Quran Translation?* (Vol. 8). Moassese Farhangi Tarjoman Vahi.
- Qarshi Banabi, S. A. A. (1992). *Quran Dictionary*. Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Rezaei Kermani, M. A. (2015). *A Critique of the New Quran Translation "Khorramshahi's Translation"* (Vol. 6). Moassese Farhangi Tarjoman Vahi.
- Sayyuti, A. R. B. B. (2042). *Mastery in the Sciences of the Quran*. Dar al-Kitab al-Arabi.
- Seyedi, S. H. (2015). *A Preliminary Study on Quran Translation* (Vol. 2). Moassese Farhangi Tarjoman Vahi.
- Shahrودي, M. R., Ghasemi Nia, M. A., & Belkar, M. S. (2021). Examining the Performance of Quran Translators in Translating the Differences Existing in Lexically Similar Verses (A Case Study of the Translations by Haddad Adel, Rezaei, Taheri, Fouladvand, Kavyanpoor, Garmarodi, and Makarem Shirazi). *Doreh*, 8(16), 40-75.